

# جبل عامل؛ سرزمین غافلگیری‌ها

## شرحی بر تجربه پیروزمندانه مقاومت اسلامی لبنان در جنگ ۳۳ روزه

عربی تحمیل‌کننده شکست تاریخی به ارتش صهیونیست، بگیرند. این اتفاقات از چشم ایران دور نبود.

حاج قاسم سلیمانی، فرمانده شهید نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در همان روز اول جنگ با کمک دوست و برادر هم‌رزمش حاج عماد مغنیه، فرمانده ارشد نظامی و شهید مقاومت اسلامی لبنان، از راه سوریه وارد لبنان شد و خود را به مقر ستاد فرماندهی مقاومت اسلامی در منطقه حومه جنوبی بیروت (ضاحیه) رساند تا با سید حسن نصرالله در مورد حمله اسرائیل مشورت کند و گزارشی از این حمله به دست رهبر معظم انقلاب اسلامی در تهران برساند.

قاسم سلیمانی و عماد مغنیه در حین جلسه با سید حسن نصرالله، هنگام بمباران نیروی هوایی ارتش اسرائیل برای حفظ جان سید حسن نصرالله، او را از ساختمانی به ساختمان دیگر در ضاحیه منتقل کردند. به فاصله کوتاهی از این جلسه، قاسم سلیمانی دوباره از مسیر زمینی به دمشق رفت و از آنجا عازم تهران شد.

فرمانده شهید نیروی قدس پس از دیدار با رهبر معظم انقلاب متوجه شد آمریکا و اسرائیل از چند سال قبل طرح حمله به لبنان را ریخته بودند، اما عملیات اسیرگیری مقاومت اسلامی سبب شتاب و اجرای زودتر از موعد طرح آنان شد؛ چیزی که به نظر رهبر معظم انقلاب یکی از الطاف الهی بود و حتی سید حسن نصرالله با حاج قاسم سلیمانی هم از آن اطلاع نداشتند. اگر این طرح در موعد مقرر خود یعنی چند ماه بعد به اجرا درمی‌آمد، بخش قابل توجهی از توان حزب‌الله لبنان نابود می‌شد و ارتش اسرائیل به اهداف مورد نظر خود در تغییر ساختار جغرافیای سیاسی و جمعیتی در جنوب لبنان دست پیدا می‌کرد.

ارتش اسرائیل به وحشیانه‌ترین شکل ممکن تا آن روز جنوب بیروت، بعلبک، صور، بطنیه، بنت جبیل، مرجعیون و تمام مناطق اطراف این شهرها، که مرکز استقرار و تجمع شیعیان و نیروهای حزب‌الله بود را هدف حمله قرار داد.

مقاومت اسلامی لبنان هم در پاسخ، حملات بازدارنده موشکی خود به شمال فلسطین اشغالی را آغاز کرد تا جایی که سه روز پس از آغاز جنگ، برای نخستین بار در تاریخ نبردهای حزب‌الله و رژیم صهیونیستی، شهر بندری و مهم «حیفا» در نوار ساحلی شمال فلسطین اشغالی و سومین شهر مهم رژیم اشغالگر قدس را آماج حملات موشکی خود قرار داد. حزب‌الله در این حملات بندر، فرودگاه، ایستگاه قطار، پالایشگاه نفت و مناطق مختلفی از شهر حیفا را به انتقام بمباران ضاحیه به صورت گسترده تخریب و فقط در اولین حمله موشکی خود به حیفا، ده‌ها نفر از صهیونیست‌های متجاوز ساکن این شهر را کشته و زخمی کرد.

حملات موشکی حزب‌الله بسیار ویرانگرتر از موج حملات دو جنگ دهه ۷۰ شمسی (۵۰ میلادی)، به خصوص جنگ ۱۶ روزه، بود. مقاومت اسلامی در آن جنگ بیشتر ضربات خود را روی شهرک‌هایی که دشمن حداکثر در ۲۰ کیلومتری جنوب مرز فلسطین اشغالی و لبنان داشت، متمرکز کرد تا جایی که شهرهای صفا، نهاریا و کریات شمونه به مناطق خالی از سکنه و شهر ارواح تبدیل شدند، اما داستان جنگ ۳۳ روزه تفاوت زیادی با جنگ‌های قبل داشت.



محمد جواد مهدی‌زاده

پژوهشگر روابط بین‌الملل و تاریخ نظامی

ساعت ۹:۰۵ صبح روز ۲۱ تیر ۱۳۸۵ (۱۲ جولای ۲۰۰۶)، گروهی از نیروهای ویژه مقاومت اسلامی لبنان در عملیاتی

که ماه‌ها برای اجرای آن برنامه‌ریزی و تمرین صورت گرفته بود و «وعده راستین» نامیده شد، با عبور از دیوار مرزی لبنان و فلسطین در منطقه «خله ورده»، واقع در حاشیه جاده شهرک «زرعیت» در شمال فلسطین اشغالی، دو خودرو نظامی «هامر» متعلق به نیروهای گشت مرزی منطقه شمالی ارتش رژیم صهیونیستی را هدف و دو نفر از نظامیان صهیونیست، به نام‌های «ایهود گلدواسر» و «الداد رگو» را به اسارت گرفتند تا با «سمیر قطار» و دیگر اسرای لبنانی در بند رژیم صهیونیستی مبادله کنند. این نخستین بار نبود که مقاومت اسلامی لبنان در تاریخ ۲۴ ساله نبرد خود با ارتش رژیم

صهیونیستی (تا آن روز) دست به اجرای عملیات اسیرگیری علیه نظامیان صهیونیست می‌زد. عملیات شهید شیخ راغب حرب (بهمن ۱۳۶۴)، عملیات اسیرگیری سه نظامی صهیونیست در مزارع شبع (۷ اکتبر ۲۰۰۰ مصادف با ۱۶ مهر ۱۳۷۹، دقیقاً ۲۳ سال پیش از عملیات طوفان الاقصی) و اسارت «حنان تنباوم» سرهنگ ارتش اسرائیل در بیروت کمتر از یک هفته پس از عملیات مزارع شبع از مهم‌ترین اقدامات حزب‌الله لبنان در راستای به نتیجه رساندن پرونده اسرای لبنانی در بند رژیم صهیونیستی بود.

با این حال، سابقه نداشت ارتش اسرائیل پس از اجرای یک عملیات اسیرگیری از نظامیان صهیونیست دست به اجرای حمله‌ای گسترده علیه مناطق آزاد در خاک لبنان زده باشد. هیچ‌کدام از دو نبرد هفت روزه (تسویه حساب، ۱۳۷۲) و ۱۶ روزه (خوشه‌های خشم، ۱۳۷۵) پس از عملیات‌های اسیرگیری رخ ندادند.

به همین دلیل هم بود که سید حسن نصرالله چند روز پس از آغاز تجاوز گسترده نظامی ارتش اسرائیل به خاک لبنان که از سوی مقامات تل‌آویو ادعا می‌شد پاسخی به عملیات اسیرگیری حزب‌الله است، در پیامی تلفنی به ملت لبنان گفت: «اقدامات دشمن صهیونیست نه پاسخی به عملیات اسیرگیری بلکه تسویه حسابی با ملت، مقاومت، دولت، ارتش و نیروهای سیاسی داخل لبنان است که شکستی تاریخی را [با آزادسازی جنوب لبنان] به این رژیم تحمیل کردند!».

بسیاری از ساختمان‌ها و مراکزی که به هر نوعی تعلق به حزب‌الله داشتند، در همان ساعات یا روزهای اولیه جنگ هدف بمباران رژیم صهیونیستی قرار گرفتند. بنادر، جاده‌ها، پل‌ها و هر نوع راه ارتباطی مهم توسط جنگنده بمب‌افکن‌های نیروی هوایی رژیم صهیونیستی بمباران شدند. از آنجا که ژنرال «دان حالوتس» رئیس وقت ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی، خود یکی از افسران خلبان نیروی هوایی ارتش رژیم بود، این تفکر در میان مقامات ارشد سیاسی و نظامی رژیم به وجود آمد که کار حزب‌الله با یک حمله هوایی گسترده یکسره خواهد شد.

مقامات رژیم صهیونیستی، از وزرای کابینه تا نمایندگان کنست و ژنرال‌های ارتش، همه در برابر دوربین‌ها ظاهر شدند و با سرخوشی حرف از پایان کار «حزب‌الله ایرانی در لبنان» (!) زدند. چراغ سبز و تضمین‌های سیاسی و نظامی آمریکا برای پیروزی در برابر حزب‌الله به آنان این ایده را القا می‌کرد که این بار می‌توانند انتقام شکستشان در لبنان را با نابودی حزب‌الله، اولین نیروی اسلامی

### حملات موشکی حزب‌الله

بسیار ویرانگرتر از موج حملات دو جنگ دهه ۷۰ شمسی (۵۰ میلادی)، به خصوص جنگ ۱۶ روزه، بود. مقاومت اسلامی در آن جنگ بیشتر ضربات خود را روی شهرک‌هایی که دشمن حداکثر در ۲۰ کیلومتری جنوب مرز فلسطین اشغالی و لبنان داشت، متمرکز کرد تا جایی که شهرهای صفا، نهاریا و کریات شمونه به مناطق خالی از سکنه و شهر ارواح تبدیل شدند، اما داستان جنگ ۳۳ روزه تفاوت زیادی با جنگ‌های قبل داشت